

## محتوا پژوهی روایات نامبارکی چهارشنبه

البرز محقق گرمی<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از ریشه‌های باور به فرخندگی یا گنجستگی پاره‌های زمان را در کتب روایی می‌توان یافت. جستار نخستین در این روایات، عمل کردن به محتوای آن‌ها را رهنمون می‌شود؛ اما بازخوانی روایات موضوع و دسته‌بندی آن‌ها روی دیگر این سکه یعنی بی‌اعتبار بودن پدیده‌ها در آفرینش نیک فرجامی یا نگون بختی را هویدا می‌سازد. سنجه‌هایی چون قرآن محوری، عرضه به روایات قطعی، سپهر رفتاری پیشوایان دین و سایه سار عقل رشد یافته، ارزشمندترین ابزارها برای سنجش گفتارهای پیوند خورده به معصومان علیهم‌السلام خواهند بود.

این نوشتار به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای در پی اعتبارسنجی جان مایه متن روایات نامبارک پنداری چهارشنبه است و سرانجام با استفاده از راهکارهای نقد محتوایی حدیث مانند عرضه به قرآن، سنت قطعی، سیره معصومین علیهم‌السلام و حکم عقل به رفوزش انگاره نحوست چهارشنبه دست می‌یابد. **واژگان کلیدی:** نحوست، چهارشنبه، روایات، نقد محتوایی، ذاتی و عرضی.

## ۱. مقدمه

عنصر زمان در قامت یکی از مؤلفه‌های زندگی بشری، در اثر حرکت زمین به دور خودش به پیش می‌رود و به مناسبت حرکت زمین در مدار خود، موقعیت جغرافیایی زمین نسبت به اجرام آسمانی تغییر می‌کند. بررسی نسبت کره زمین با اجرام آسمانی در زمان‌هایی خاص مورد توجه اخترشناسان بوده و با فزونی دانش کیهان‌شناسی بشر، باورهایی مانند تاثیر اجرام آسمانی بر رخ نمودن برخی رویدادها در زمان‌هایی ویژه نیز شکل گرفته است. تاثیر زمان‌ها بر سرنوشت بشر، انگاره‌ای است که در برخی از اقوام سبب شروع یا به تأخیر انداختن کارها می‌شود. این پندار در میان مسلمین به واسطه وجود روایاتی که از نامبارکی برخی روزها از جمله چهارشنبه سخن گفته‌اند رشد یافته است.

### ۱.۱. پیشینه تحقیق

نگاشته‌های حدیثی و کلامی در باور به فرخندگی و نحوست ایام و اعمال مجاز و ممنوع در آن‌ها دیرینگی قابل توجهی دارند. برای نمونه، مرحوم سید بن طاووس کتاب‌های «فلاح السائل و نجاح المسائل»، «جمال الاسبوع بكمال العمل المشروع»، «زهرة الربيع في ادعية الاسبوع»، «الدروع الواقية»، «الاقبال بالاعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة» و «الامان من اخطار الاسفار و الزمان» را با هدف شناساندن ویژگی‌های زمان‌ها و رفتار ویژه در آن‌ها نگاشته است. وی که با زحمت فراوان روایات مخصوص به هر زمان را جمع‌آوری کرده، رساله‌ای با نام «فرج المهموم في معرفة الحلال و الحرام علم النجوم» درباره تأثیرات ستارگان بر سعد و نحس به رشته تحریر آورده و در آن منکر اثر بخشی مستقل زمان‌ها بر فرخندگی یا نگون بختی آدمی شده است.

علامه مجلسی با نگارش فصلی در جلد ۵۶ بحار الانوار به موضوع نحوست چهارشنبه پرداخته است. شیخ عباس قمی با ترجمه و حاشیه بر کتاب جمال الاسبوع در این راه گام برداشته است. برخی نوشته‌های دیگری در این زمینه عبارتند از: سعادت و نحوست ایام، نوشته مرتضی شریفی اشکوری؛ سعادت و نحوست ایام، به قلم جواد ورعی، منتشر شده در نشریه مسجد؛ خرافات از دیدگاه قرآن به کوشش رسول منتجب

نیا؛ مبارزه اسلام با خرافات به قلم زین العابدین قربانی.

دو مقاله «فرخندگی و شومی روزها، جعفر سبحانی، مجله کلام اسلامی، شماره ۷۷ سال ۱۳۹۰» و «بررسی روایات نحوست دوشنبه، حسن نقی زاده، دوفصلنامه حدیث پژوهی شماره ۱۴، سال ۱۳۹۴» تحقیقی ژرف تر در موضوع نحوست ایام را سامان داده‌اند. برخی نوشته‌ها چون «نیرنگستان» این باورها را به تمسخر گرفته‌اند.<sup>۱</sup> اما محتوا پژوهی روایات دالّ بر نامبارکی چهارشنبه، با راهکارهای مقبول در دانش فقه الحدیث، بسی کم مورد اقبال قرار گرفته است.

## ۲. کلیات و مبانی

### ۲.۱. نحوست و نامبارکی در لغت و اصطلاح

واژه پژوهان پیرامون کلمه نحس می‌نویسند: «نحس مخالف سعد (فرخندگی و خوش اقبالی) است... و اصل نحس سرخ گون شدن کرانه‌های آسمان به سان شعله‌ی بدون دود است؛ این کلمه برای هر چیز ناخوشایندی به کار می‌رود».<sup>۲</sup>

کتب لغت معانی مشابه دیگری چون: بی برکتی، غبار، بادهای سخت، روزهای بسیار سرد و شعله بدون دود را برای نحس در نظر گرفته‌اند.<sup>۳</sup> گوهر معنایی واژه نحس را در هر چیز ناخوشایند می‌توان جست. «نحس» در اصطلاح علاوه بر بدیمنی و نامبارکی به کوشش و رنج بی ثمر، کار مبهم و تاریک، گرد و غبار آسمان و هر چیز ناپسندی گفته می‌شود. برای مفهوم نحوست مترادفاتی چون لوم، خبث، عسر و شوم<sup>۴</sup> می‌توان در نظر گرفت. برای نمونه، شومی خانه به کوچکی آن و همسایگان بد و شومی زن به نازایی

۱. نیرنگستان، ص ۲۲.

۲. مفردات فی الألفاظ القرآن، ص ۶۹۹.

۳. المحکم والمحیط الأعظم، ج ۳، ص ۲۰۰؛ تهذیب اللغه، ج ۴، ص ۳۱۹.

۴. الطراز الاول، ج ۶، ص ۲۹۲.

وشومی مَرکَب به افسارگسیختگی آن است.<sup>۱</sup>

ازبرآیند این معانی می‌توان مفهوم بیرونی نحوست را چنین تعریف کرد:

«هرپدیده ناپسندی که با ترس از نتایج آن همراه باشد». از این رو «ایام نحس» در اصطلاح، برشی از زمان است که در آن، حادثه‌ای نامبارک اتفاق می‌افتد و اعمال انسان برای صاحب آن نتیجه و اثر مطلوب ندارد. مخالف این معنا در «ایام سعد» صادق است.<sup>۲</sup> به این ترتیب مفهوم اصطلاحی نحوست در زمان «تراکم مصیبت و گرفتاری در زمانی معین» خواهد بود.

## ۲.۲. دیرینگی شوم انگاری چهارشنبه

باور به نقش افلاک و ستارگان در سرنوشت آدمی از دیرباز رایج بوده است. ریشه‌های اینگونه باورها را در جهان بینی یونانی باید جست.<sup>۳</sup> نفوذ اینگونه باورها در دانش‌های عقل‌گرا مانند فلسفه مسلمین تا آنجا است که هفت فلک و ستارگان سیار آن‌ها را پدران موجودات جهان عناصر شمرده‌اند.<sup>۴</sup> عرب در جاهلیت، چهارشنبه را دُبار می‌نامید؛<sup>۵</sup> یعنی هلاکتی که همه آثار را نابود می‌کند و این روز را شوم می‌پنداشتند.<sup>۶</sup> آنان آخرین چهارشنبه ماه صفر را «یوم الاربعاء لا یدور» می‌نامیدند.<sup>۷</sup>

تهانوی درباره گاه‌شماری اقوام می‌نویسد: «قبطیان قدیم سال را بر ۳۵۶ روز تقسیم می‌کردند و آغاز آن را روز پادشاهی بختنصر می‌دانند که چهارشنبه بوده است.<sup>۸</sup> حمله

۱. لسان العرب، ج ۱۲، ص ۳۱۴.

۲. تفسیرالمیزان، ج ۱۹، ص ۱۵.

۳. فلسفه خرافات، ص ۲۰.

۴. اشارات، نمط ششم، ص ۴۱ و ۴۲.

۵. لسان اللسان، ج ۱، ص ۳۸۶.

۶. مفردات، ص ۳۰۷؛ المحکم والمحیط الاعظم، ج ۹، ص ۳۷۶.

۷. تاج العروس، ج ۷، ص ۴۷۸.

۸. کشف اصطلاحات الفنون، ج ۱، ص ۳۶۹.

وی به بابل و آتش کشیدن بیت المقدس و کشتن و اسارت یهودیان، سبب وحشت آنان و مهاجرتشان به مدینه شد.<sup>۱</sup> بعید نیست که همین امور سبب کینه ورزی یهود و اعراب آن سامان نسبت به او شده باشد تا جایی که آغاز سلطنتش را روزی نحس بیندارند.

باور به شوم بودن چهارشنبه در آداب محلی هم ریشه دوانده است؛ تاجایی که تالشان باور دارند که در این روز نباید خاکستر و آب داغ را بیرون ریخت؛ چون سبب آسیب به پریان و نگون بختی شخص می شود.<sup>۲</sup>

### ۲،۳. بیان مسأله

باورمندان به انگاره نامبارکی پاره‌های زمان، اندیشه خود را از برخی روایات دریافتند. گروهی از این روایات به موضوع نحوست یا سعادت زمان‌هایی ویژه اشاره دارند؛ تا جایی که در مجموعه‌های حدیثی فصل‌هایی با عنوان «سعادة الايام الأسبوع و نحوستها» گشوده شده است.<sup>۳</sup> یکی از روزهایی که در برخی روایات به نامبارکی آن اشاره شده، چهارشنبه است. استفاده از ظاهر آیه ۱۶ سوره فصلت و آیه ۱۹ سوره قمر به عنوان دلیل دیگر این انگاره قابل ارزیابی است.

پرسش اصلی این نوشتار، میزان اعتبار متن دلایل این انگاره با محوریت ارزیابی روایات است. برای پاسخ، از روش‌های بنیادین نقد متن، بهره گرفته شده است.

### ۳. دلایل باورمندی به انگاره نامبارکی چهارشنبه

مهمترین دلیل اعتقاد به نامبارکی چهارشنبه را در دسته‌ای از روایات می‌توان جست که مهم‌ترین آن‌ها به شرح ذیل گزارش شده‌اند:

۱. دانشنامه جهان اسلام ج ۲ ص ۳۹۹.

۲. تاتها و تالشان، ص ۱۶۴.

۳. رک: مستدرک سفینه البحار ج ۱۰ ص ۶۲۰؛ وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۵۴.

۱. از امام علی علیه السلام منقول است که فرمودند: «تَوَقُّوا الْجِجَامَةَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ وَ التُّورَةَ فَإِنَّ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ يَوْمٌ نَحَسٌ مُسْتَمِرٌّ وَ فِيهِ خُلِقَتْ جَهَنَّمُ»؛<sup>۱</sup> از حجامت کردن و نظافت موهای زائد در چهارشنبه بپرهیزید، چراکه روز نحس مستمر است و جهنم در آن روز خلق شده است.

۲. در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام بابی با عنوان «بیم مریض شدن برای کسی که چهارشنبه حجامت کرده یا نوره استفاده کند» وجود دارد. یکی از آن روایات به نقل از احمد بن عامر طایبی چنین گزارش شده است: «سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا علیه السلام يَقُولُ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ يَوْمٌ نَحَسٌ مُسْتَمِرٌّ مَنِ احْتَجَمَ فِيهِ خِيفَ عَلَيْهِ أَنْ تَخْضَرَ مَحَاجِمُهُ وَ مَنْ تَنَوَّرَ فِيهِ خِيفَ عَلَيْهِ الْبَرَصُ»؛<sup>۲</sup> شنیدم امام رضا علیه السلام می گوید روز چهارشنبه، روز نحسی است. هر کس در آن حجامت کند بیم آن می رود که محل حجامتش دچار فساد و آلودگی شود و هر کس در آن نوره استعمال کند بیم آن می رود که دچار برص شود.

۳. محمد بن عمرو البصری از محمد بن عبد الله الواعظ از عبد الله بن احمد طایبی از پدرش از امام رضا علیه السلام چنین نقل می کند: مردی شامی از علی بن ابی طالب علیه السلام راجع به ایام و کارهای جانش در آن ها پرسید. امام علیه السلام فرمود: «يَوْمُ السَّبْتِ يَوْمٌ مَكْرٍ وَ خَدِيعَةٍ وَ يَوْمُ الْأَحَدِ يَوْمٌ غَرَسٍ وَ بِنَاءٍ وَ يَوْمُ الْاِثْنَيْنِ يَوْمٌ سَفَرٍ وَ طَلَبٍ وَ يَوْمُ الثَّلَاثَاءِ يَوْمٌ حَرْبٍ وَ دَمٍ وَ يَوْمُ الْأَرْبَعَاءِ يَوْمٌ سُؤْمٍ فِيهِ يَتَطَيَّرُ النَّاسُ وَ يَوْمُ الْخَمِيسِ يَوْمُ الدُّخُولِ عَلَى الْأَمْرَاءِ وَ قَضَاءِ الْحَوَائِجِ وَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ يَوْمٌ خِطْبَةٍ وَ نِكَاحٍ»؛<sup>۳</sup> روز شنبه روز مکر و نیرنگ و یک شنبه روز عروسی و آغازیدن کارهاست و دوشنبه روز سفر و طلب است و سه شنبه روز جنگ و خون و چهارشنبه روز شومی است که مردم در آن فال بد می زنند و پنج شنبه روز وارد شدن برامیران و قضاء حوائج و جمعه روز خطبه و

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۱۷.

۲. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۴۸.

۳. الخصال، ج ۲، ص ۳۸۴.

نکاح است.

۴. دارم بن قبیصه از امام رضا علیه السلام نقل می کند که ایشان به نقل از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «أَخْرُزُبَعَاءَ فِي الشَّهْرِ يَوْمَ نَحْسٍ مُسْتَوِرٍ»؛<sup>۱</sup> چهارشنبه آخر هر ماه روز نحس مستوری است.

۵. محمد بن عمرو بصری به سلسله اسناد خود از امام رضا علیه السلام نقل می کند که مردی درباره نامبارکی چهارشنبه از امام علی علیه السلام پرسش کرد. امام علیه السلام در پاسخ فرمود: «أَخْرُزُبَعَاءَ فِي الشَّهْرِ وَهُوَ الْمَحَاقُ وَفِيهِ قَتْلُ قَابِلٍ هَابِيلَ أَخَاهُ وَيَوْمَ الْأَزْبَعَاءِ الْقِيَامُ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام فِي النَّارِ»؛<sup>۲</sup> آخرین چهارشنبه هر ماه، ایام محاق<sup>۳</sup> است و در آن قابیل، هابیل را کشت و ابراهیم در آتش افکنده شد.

در روایاتی مشابه، ازدواج، مباشرت خاص با همسر و مسافرت درین روزها بسیار ناپسند بوده و آثار نامطلوبی در پی دارد.<sup>۴</sup>

هم چنین دو آیه در قرآن مجید می توان یافت که بدون در نظر گرفتن سایر آیات موضوع، ظاهری دال بر نحوست برخی زمان ها دارند. این دو آیه عبارتند از:

۱. «فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ»؛<sup>۵</sup> سرانجام تند بادی شدید و هول انگیز (ریح صرصر) در روزهایی شوم (و پر غبار) بر آن ها فرستادیم.

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۶۶

۲. الخصال، ج ۲، ص ۳۸۸

۳. محاق در لغت به معنی پوشیده بودن و در اصطلاح سه شب پایانی هر ماه قمری که در آن ماه با چشم غیر مسلح به خوبی دیده نمی شود. قاموس اللغة، ج ۳، ص ۲۸۲.

عبارت «محقة الحرّ: خورشید اورا سوزانید» در این نامگذاری موثر بوده است؛ چراکه گمان می رفت نزدیک شدن ماه به خورشید در این سه شب سبب سوختن و نامریی شدنش می شود. از نظر علمی پدیده نارسا شدن دیدن ماه در این سه شب به علت عدم جذب نور خورشید توسط ماه رخ می دهد که قرار گرفتن اجسام آسمانی میان ماه و خورشید موجب آن می شود.

۴. بحار الانوار، ج ۵۵، ص ۱۹۹ و ۲۵۴؛ الکافی، ج ۱۱، ص ۱۴۰.

۵. فصلت: ۱۶.

۲. «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحاً صَرْصِراً فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ»؛<sup>۱</sup> ما تند بادی شدید (ریح صرصر) را در روزی با شومی مستمر بر آن‌ها فرستادیم.

#### ۴. اعتبارسنجی روایات موهم نحوست چهارشنبه

اعتبارسنجی احادیث بر دو محور نقد سند و ارزیابی محتوا استوار است. وجود افرادی مانند معلی بن خنیس، ابو عبدالله رازی، دارم بن قبیصه، ابونصر تکریتی، علی بن حسان و سهل بن زیاد<sup>۲</sup> در سلسله اسناد روایات مربوط به نحوست چهارشنبه سبب ضعف شدید سندی آن‌ها خواهد بود. از آنجا که این نوشتار در پی بررسی محتوایی این روایات است از تبیین نقد سندی چشم می‌پوشد؛ چراکه بررسی سندی همه روایات این موضوع، از دامنه کمی نوشتار خارج است.

در سپهر نقد متنی عواملی چون مخالفت با قرآن، مقاصد شریعت، تاریخ ثابت، عقل سلیم، حس و مشاهده، دستاوردهای قطعی علم، اجماع و اتفاق مسلمین، تجربه و سنت قطعی<sup>۳</sup> را در کنار بیان افراطی ثواب‌های بزرگ برای کارهای کوچک، رکاکت بیان و گزاف‌گویی، فساد معنا و عدم شباهت به سخنان معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام،<sup>۴</sup> مایه سلب اعتبار از حدیث می‌دانند.

در بررسی روایات مربوط به نحس‌انگاری چهارشنبه چهار راهکار وجود دارد که عبارت است از: عرضه حدیث بر قرآن، سنت قطعی، سیره معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام و حکم عقل که در این نوشتار پی گرفته می‌شوند.

۱. قمر: ۱۹

۲. رک: رجال نجاشی، ش ۴۹۰؛ رجال کشی، ص ۴۵۲؛ فهرست طوسی، ص ۳۳۴؛ رجال ابن غضائری، ص ۵۸؛ خلاصة الاقوال حلی، ص ۳۴۶؛ مستدرکات علم رجال نمازی، ج ۸، ص ۹۳.

۳. العدة فی الاصول، ج ۱، ص ۱۴۵؛ الکفایة فی علم الروایة، ص ۴۳۳؛ المنار المنیف، ص ۴۷؛ السنة و مکانتها فی التشریع الاسلامی، ص ۲۷۱.

۴. مبانی نقد متن الحدیث، ص ۶۹.



## ۴،۱. عرضه برقرآن

گرچه برخی روایات پیش گفته چهارشنبه را همان «یوم نحس مستمر» در قرآن می‌دانند ولی برای کشف دیدگاه قرآنی پیرامون موضوع نحوست ایام باید آیات مرتبط با موضوع را گردآورد و از انواع مدالیل، تفاسیر و نیز تأویل آن‌ها بهره جست. از سوی دیگر شایسته است موضوع «عدم تفاوت در نحوه خلقت موجودات» و دلایل آیات دو موضوع و رابطه آن‌ها با یکدیگر را واکاوی کرد.

برای رسیدن به این مقصود، ابتدا انگاره نحوست ایام را در منظومه شناختی قرآن می‌کاویم. پس از آن دلالات برخی آیات دال بر عدم نحوست ذاتی موجودات را بررسی می‌کنیم و در پایان برآیند نظر قرآن درباره موضوع نحوست زمان‌ها را به دست می‌آوریم.

### ۴،۱،۱. آیات موهّم نحوست چهارشنبه

تنها دو آیه در قرآن مجید با کلید واژگان «یوم نحس مستمر» و «ایام نجسات» در ظاهر دلالت بر نامبارکی زمان‌هایی ویژه دارند. محور سخن در این آیات، نتیجه سرکشی قوم عاد و نزول عذاب الهی بر آن‌ها است.

از آیات پیرامون سرنوشت قوم عاد چنین برمی‌آید که در زمانی خاصی عذابی بر قوم عاد به شکل مداوم و مستمر (در طول هفت شب و هشت روز) نازل شد<sup>۱</sup> که همه افراد قوم را در بر گرفت؛ اما نمی‌توان برداشت کرد که در آن ایام خاص، هر ساله اتفاق نامبارکی مثل عذاب قوم عاد تکرار می‌شود. به عبارتی دیگر آن ایام تأثیری بر وقوع عذاب نداشته است؛ چون اگر این گونه بود باید همه ساله همان عذاب یا شبیه آن تکرار می‌شد و با گردش هفته‌ها دوباره آن ایام نحس بر می‌گشت.

### ۴،۱،۲. آیات دال بر عدم نحوست ذاتی موجودات

این آیات را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد. دسته اول به خلقت نیکوی همه پدیده‌ها و عدم تفاوت آن‌ها در این امر نظر دارد و در دسته دوم به قابلیت استفاده از همه پدیده‌ها



برای رسیدن به سعادت اشارت شده است.

۴،۱،۲،۱. دسته اول: آیاتی با مضمون نیکو بودن خلقت اولیه موجودات

در این دسته از آیات به قاعده بنیادین آفرینش و هدفمندی و نیکو بودن خلقت همه موجودات اشارت شده است. مهم ترین آیات دال بر این اصل بنیادین عبارتند از: «صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَنْتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ»؛<sup>۱</sup> صُنِعَ خَدَائِي چنين است که هر چیزی را در کمال استواری پدید آورده است.

«الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ»<sup>۲</sup>؛ همان کسی که هر چیزی را که آفریده، نیکو آفریده است.

«حُسن» در لغت به هر چیز سرور آور و خوشایندی گفته می شود؛ حُسن سه نوع است: اول آن حسن و زیبایی که مورد پسند عقل است. دوم آن حسنی که مورد پسند تمایلات نفسانی است. سوم آن حسنی که زیبایی طبیعی و محسوس است.<sup>۳</sup> حاصل تفسیر علامه طباطبائی از این آیات چنین است:

با دقت در خلقت موجودات در می یابیم که هیچ شکلی بهتر و کامل تر از شکل تکوینی آن موجود نیست؛ لذا از آیه «الذی أحسن کل شیء خلقه» می توان به دو نتیجه رسید: اولاً، خلقت ملازم با حُسن است و ثانیاً، هر زشتی و بدی که تصور کنیم مخلوق خدا نیست؛ البته مراد صفت ها و عوارض زشت و بد است نه شکل خارجی آن.<sup>۴</sup>

در آیات دیگری نیز به موضوع «یکسان بودن آن ها در خلقت نیکو» اشاره شده است. از جمله: «مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ»؛<sup>۵</sup> یعنی در خلقت پروردگار متعال اثری از تفاوت نمی بینی. بر این اساس خلقت اولیه همه موجودات از جمله زمان ها نیکو

۱. نمل: ۸۸

۲. سجده: ۷

۳. مفردات فی الفاظ القرآن، ص ۴۹۰.

۴. المیزان، ج ۱۶، ص ۲۴۹؛ ج ۱۵، ص ۴۰۱.

۵. ملک: ۳

بوده و بر خیررسانی استوار است.

#### ۴،۱،۲،۲. دسته دوم: آیات دال بر مسخر بودن همه موجودات

در آموزه‌های قرآنی موجودات، بدون اراده الهی توانایی اضرار و صدمه زدن را ندارند. مانند آیه «وَمَا هُمْ بِضَآرِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ»؛<sup>۱</sup> آن‌ها هیچ‌گاه بدون اذن خدا نمی‌توانند به کسی ضرر بزنند.

بر اساس بیان قرآنی، بهره‌وری بهینه از همه موجودات جهان و به خدمت کشیدن آن‌ها برای آدمی محفوظ شمرده شده و پدیده‌های فراوانی مُسَخَّرَانِسان معرفی شده‌اند. برای نمونه:

«وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِ إِنْ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»؛<sup>۲</sup> او شب و روز و خورشید و ماه را مسخر شما ساخت و ستارگان نیز به فرمان او مسخر شمایند؛ در این، نشانه‌هایی (از عظمت خدا) برای گروهی است که عقل خود را به کار می‌گیرند.

از این آیه می‌توان نتیجه گرفت همه موجودات با فرمان الهی تحت اختیار انسان قرار دارند؛ نه اینکه آثار ناهنجاری روی بدن و روح انسان داشته باشند. البته تأثیر موجودات بر یکدیگر و رابطه میان آن‌ها بر کسی پوشیده نیست؛ اما این رابطه تا این اندازه استقلال ندارد که روند زندگی روزانه را دچار اختلال کرده و به انجام کارهای خاصی وابسته گرداند تا اثرات گردش زمان بر انسان را خنثی کند. در آیه‌ای دیگر شب و روز مایه آرامش و پیشرفت انسان بیان شده است:

«وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا»؛<sup>۳</sup> او کسی است که شب را برای شما لباس و خواب را مایه استراحت و روز را وسیله حرکت و حیات قرار داد.

۱. بقره: ۱۰۲

۲. نحل: ۱۲

۳. فرقان: ۴۷

روشن است که شب و روز در نقش پاره‌های زمان، در اثر گردش زمین به دور خود و موقعیت زمین نسبت به خورشید مشخص می‌شود. در این دسته آیات، زمان‌ها بستری برای پیشرفت و سعادت آدمی شمرده شده است نه عامل نگون بختی او.

### ۴،۱،۳. رویکرد غایی برمبنای جمع بین مفاهیم و مدالیل آیات

با در نظر داشتن آیات پیشین، موضوع نحوست ایام در قرآن، به خاطر وقوع حوادث و عذاب‌های سخت برای گناهکاران به عنوان تذکر و هشدار برای نوع بشر بیان شده است؛ نه آنکه زمان به طور ذاتی دارای نحوست باشد. از برآیند آیات چنین به دست می‌آید که خلقت بر اساس «حُسن آفرینش پدیده‌ها» شکل گرفته و نامبارکی هرگز به عنوان عنصری در ماهیت موجودات پذیرفتنی نیست.

بر مبنای «قاعده لطف» و حکمت الهی، محیط پیرامونی بشر و همه پدیده‌های مرتبط با هستی، به گونه‌ای آفریده شده‌اند که فرخندگی دنیا و آخرت او را تضمین کنند. در این میان بهره‌وری از پاره‌های زمان نیز بستری برای پیشرفت آدمی شمرده می‌شود.

از دیدگاه قرآن، رستگاری و سعادت انسان بر دو اصل ایمان و عمل نیک استوار است. ایمان به خدا جَلَّ جَلَلُهُ، غیب، انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، روز قیامت عوامل ابتدایی رستگاری و سعادت آدمی است.<sup>۱</sup> همچنین رفتارهای برگرفته از احکام تشریحی و اصول اخلاقی مثل اقامه نماز، پاک دامنی، وفای به عهد، پرداخت زکات، امانتداری، جهاد با مال و جان، پرهیز از کارهای بیهوده و ربا و شراب و قمار، ایثار و فداکاری، عوامل عملی سعادت انسان از دیدگاه قرآن است.<sup>۲</sup>

از سوی دیگر گرایش انسان به اخلاق ناپسند، عقاید باطل، کفر و ظلمی که انسان با غفلت از خدا بر خود روا می‌دارد نیز سبب سلب نعمت‌ها، دچار شدن به گرفتاری‌های

۱. بقره: ۴ و ۵؛ توبه: ۸۸ و ۸۹؛ یونس: ۶۳ و ۶۴

۲. آل عمران: ۱۰۴؛ مائده: ۹۰؛ نوز: ۳۱؛ روم: ۳۸؛ حشر: ۹

تکوینی ناشی از رفتارهای فردی و تیره روزی او خواهد شد.<sup>۱</sup>

با این حال برخی خرافه‌گرایان گمان می‌کنند که دچار شدن به مصائب، با نامبارکی ایام و پدیده‌ها و افراد پیوند دارد. به گونه‌ای که جای پذیرفتن مسئولیت و نتایج اعمال خود، با فرافکنی آن را به پدیده‌های دیگر نسبت می‌دهند. به هر جهت عرضه‌ی روایات دال بر نحوست ایام به معرف قرآنی سبب مردود شدن آن‌ها خواهد شد.

## ۴،۲. عرضه‌ی بروایات استوار

در مقابل روایات دال بر نامبارکی برخی ایام، روایاتی دال بر ترک این پندار وجود دارد. در کتب حدیثی نیز بابی با عنوان «استحباب ترک التطیر و الخروج یوم الأربعاء»<sup>۲</sup> گشوده شده است. با بررسی سندی نمونه‌های مهم این دو دسته می‌توان دریافت که سند روایات دال بر ترک نحس‌انگاری فرازمندهستند. با چشم پوشی از برتری سندی، روایات مخالف با انگاره نامبارکی ایام را به سه رده نفی کلی نحوست زمان‌ها، نفی نحوست چهارشنبه و نفی ذاتی بودن نحوست چهارشنبه می‌توان تقسیم کرد.

### ۴،۲،۱. انکار کلی نامبارکی ایام

در بعضی از روایات هشدارهایی جدی پیرامون پرهیز از نحس‌انگاری زمان‌ها به چشم می‌خورد. برخی روایات به قرار ذیل است:

۱. پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «لَا تَسُبُّوا الرِّیَاحَ فَإِنَّهَا مَأْمُورَةٌ وَلَا تَسُبُّوا الْجِبَالَ وَلَا السَّاعَاتِ وَلَا الْأَيَّامَ وَلَا اللَّیَالِیَ فَتَأْتُمُوا وَتَرْجَعَ عَلَیْكُمْ»؛<sup>۳</sup> به بادها دشنام نگویند؛ چرا که آن‌ها مأمورین الهی هستند؛ و به کوه‌ها و زمان‌ها و روزها و شب‌ها دشنام نگویند؛ چرا که آنچه (از بدی) به شما می‌رسد نتیجه‌ی گناهانتان

۱. انعام: ۲۱؛ یونس: ۶۱؛ یوسف: ۲۳؛ قصص: ۸۲

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۶۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۱۲۰.

۳. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۷۷.

است.

۲. امام علی علیه السلام به ام کلثوم علیها السلام فرمود: «يَا بُنَيَّةُ مَا مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ مَنْ يَتَطَيَّرُ وَلَا يُتَطَيَّرُ بِهِ وَلَكِنْ قَوْلُ جَرَى لِسَانِي»؛ «ما اهل بيت به شوم انگاری و تطيیر اعتقادی نداریم و این حرف‌ها که بر زبان مردم جاری است از ما نیست. در دیوان شعر منسوب به امام علی علیه السلام نیز همة روزهای هفته مبارک شمرده شده که قابلیت انجام هر کار پسندیده‌ای را دارند»<sup>۲</sup>.

۳. بنا بر گزارش حرّانی یکی از اصحاب امام هادی علیه السلام به سبب رخ دادن حوادثی مانند خراش انگشت، پاره شدن لباس و آسیب بدنی آن روز را نحس می‌پنداشت. در این باره امام علیه السلام به او فرمودند: «مَا ذَنْبُ الْأَيَّامِ حَتَّى صِرْتُمْ تَتَشَامُونَ بِهَا إِذَا جُوزِيْتُمْ بِأَعْمَالِكُمْ فِيهَا... وَاللَّهِ مَا يَنْفَعُكُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُعَاقِبُكُمْ بِذَمِّهَا عَلَى مَا لَا ذَمَّ عَلَيْهَا فِيهِ أَمَا عَلِمْتِ يَا حَسَنُ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُشِيبُ وَ الْمُعَاقِبُ وَ الْمُجَازِي بِالْأَعْمَالِ عَاجِلًا وَ آجَلًا قُلْتُ بَلَى يَا مَوْلَايَ قَالَ علیه السلام لَا تَعُدْ وَ لَا تَجْعَلِ لِلْأَيَّامِ صُنْعًا فِي حُكْمِ اللَّهِ قَالَ الْحَسَنُ بَلَى يَا مَوْلَايَ»<sup>۳</sup>؛ «گناه روزها چیست که شما هر وقت به مکافات اعمال خود می‌رسید، به آن‌ها دشنام می‌دهید؟ ... فرمود به خدا، (این دشنام‌ها) سودتان نبخشد و خدا بر مذمت بی‌تقصیرها مجازاتتان می‌کند، ای حسن! مگر نمی‌دانی که ثواب و عقاب و مکافات عمل در دنیا و آخرت به دست خدا است؟ گفتم: چرا مولای من. فرمود: دیگر تکرار نکن و برای روزها نقشی در حکم خدا قائل مشو.

۴. سهل بن یعقوب مشهور به ابونؤاس دربارهٔ ویژگی روزها سؤالاتی از امام هادی علیه السلام پرسید و در ادامه گفت: آقای من، انسان در بیشتر روزها با اعتقاد به نامبارکی آن‌ها، از تصمیمش باز می‌ماند؛ زیرا از انجام کار پرهیز و

۱. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۱۲۰.

۲. دیوان منسوب به امام علی علیه السلام، ص ۷.

۳. تحف العقول، ص ۴۸۳.

بیم داده شده است. از شما می‌خواهم مرا راهنمایی فرمائید زیرا گاهی احتیاج ضروری وادارم می‌کند که در موارد منع شده به کاری اقدام کنم. امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «يَا سَهْلُ إِنَّ لِشِيعَتِنَا بَوْلَايَتِنَا لِعِصْمَةً لَوْ سَلَكُوا بِهَا فِي لُجَّةِ الْبِحَارِ الْعَامِرَةِ ... فَثِقْ بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَأَخْلِصْ فِي الْوَلَاءِ لِأَيِّمَتِكَ الظَّاهِرِينَ وَتَوَجَّهْ حَيْثُ شِئْتَ وَأَقْصِدْ مَا شِئْتَ»؛<sup>۱</sup> یعنی ای سهل! شیعیان ما با ولایت و ارتباطی که با ما دارند در حصارى محکم و دژى استوار هستند... به خدا توکل کن و ولایت خویش را به ائمه طاهرينت پاک و خالص گردان و به هر کجا می‌خواهی برو.

۵. هنگامی که امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ عازم جنگ با خوارج بود، یکی از یاران به ایشان عرضه داشت: یا امیر المؤمنین! اگر این زمان به جنگ بروید، می‌ترسم موفق نشوید، این موضوع را از راه علم نجوم دریافته‌ام. حضرت پس از بیان مخالفت این باور با قرآن، به مردم فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ! إِيَّاكُمْ وَتَعَلَّمِ النُّجُومَ إِلَّا مَا يُهْتَدَى بِهِ فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ، فَإِنَّهَا تَدْعُو إِلَى الْكُهَانَةِ وَالْمُنَجِّمِ كَالْكَاهِنِ وَالْكَاهِنُ كَالسَّاحِرِ وَالسَّاحِرُ كَالْكَافِرِ وَالْكَافِرُ فِي النَّارِ، سِيرُوا عَلَى اسْمِ اللَّهِ»؛<sup>۲</sup> ای مردم! از فرا گرفتن علم نجوم بپرهیزید جز به آن مقدار که در خشکی یا دریا بوسیله آن هدایت شوید؛ چراکه نجوم به کهنات دعوت می‌کند و منجم همچون کاهن است و کاهن مانند ساحر و ساحر همچون کافر است و کافر در آتش دوزخ است؛ حال که چنین است به نام خدا به سوی مقصد حرکت کنید.

در خطبه ۷۹ نهج البلاغه نیز نحس انگاری ایام و استقلال آن‌ها در سود و زیان رساندن به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است. درین گونه فرمایشات، به روشنی تاثیرات مستقل زمان‌ها بر نگون بختی آدمی نفی شده‌اند.

۶. سفیان بن عمر از اینکه گمان‌هایش نسبت به تاثیرات ستارگان، سبب سستی

۱. بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۲۵.

۲. نهج البلاغه، ص ۱۰۵.

او در انجام کارهایش می شد به امام صادق علیه السلام شکایت کرد؛ امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: «إِذَا وَقَعَ فِي نَفْسِكَ شَيْءٌ فَتَصَدَّقْ عَلَى أَوْلَىٰ مُسْكِينٍ ثُمَّ امْضِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَدْفَعُ عَنْكَ»؛<sup>۱</sup> هنگامی که چنین گمانی برایت ایجاد شد به اولین نیازمندی که دیدی صدقه بده؛ سپس به کارت مشغول شو که خداوند بلند مرتبه آن باور را از تو می گیرد.

در این فرمایش حضرت، نحوست ایام تایید نشده؛ بلکه برای رهایی از انگاره های خرافی چاره جویی شده است.

### ۴،۲،۲. نفی نحوست چهارشنبه

بخشی از روایات، انگاره نامبارکی چهارشنبه را به شدت نفی می کنند. برخی از آن ها به این قرارند:

۱. شیخ صدوق به اسناد خود می نویسد که محمد بن احمد الدقاق گفت: «به امام رضا علیه السلام نامه ای نوشتم که در آن از خارج شدن برای سفر کردن در روز چهارشنبه پرسیده بودم؛ ایشان در پاسخ نوشتند: «مَنْ خَرَجَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ لَا يَدُورُ خِلَافًا عَلَىٰ أَهْلِ الطَّيْرَةِ وَوَقِيَّ مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَ عُوْفِيَّ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ عَاهَةٍ وَ قَصَبِي اللَّهُ لَهُ حَاجَتُهُ... مِنْ اِحْتِجَمَ فِي يَوْمِ الْأَرْبَعَاءِ لَا يَدُورُ خِلَافًا عَلَىٰ أَهْلِ الطَّيْرَةِ عُوْفِيَّ مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَ وُقِيَّ مِنْ كُلِّ عَاهَةٍ وَ لَمْ تَخْضَرْ مَحَاجِمُهُ»؛<sup>۲</sup> کسی که روز چهارشنبه آخر ماه (که به باور اعراب نحس است) از خانه خارج شود، خلاف معتقدان به بدشانسی عمل کرده و از هر گزندی حفظ شده و از هر بلایی مصون مانده و خداوند حوائجش را برآورده می کند... هر کس خلاف عقیده اهل طیره (معتقدان به بدشانسی) در چهارشنبه آخر ماه حجامت کند از هر بلا و آسیب مصون است و حجامتش آسیبی به او نمی رساند.

۲. حلبی از امام صادق علیه السلام پرسید: «آیا سفر در ایام مکروهه مثل چهارشنبه آخر

۱. بحار الانوار، ج ۵۵، ص ۲۲۸.

۲. الخصال، ج ۲، ص ۳۸۶.



ماه، مکروه است؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: «افْتَتِحَ سَفَرُكَ بِالصَّدَقَةِ وَاقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ إِذَا بَدَأَ لَكَ»؛<sup>۱</sup> سفرت را با صدقه و قرائت آیه الکرسی آغاز کن تا اینکه برایت بدهاء حاصل شود.

۳. مرحوم صدوق در روایتی به نقل از برخی اصحاب امام عسکری علیه السلام به خرافه بودن شومی چهارشنبه اشاره دارد. در این روایت آمده که یکی از اصحاب امام عسکری علیه السلام روز چهارشنبه‌ای خدمت ایشان رسید در حالی که امام علیه السلام حجامت کرده بودند. به امام علیه السلام عرضه داشت که مردم مکه و مدینه می‌گویند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «کسی که روز چهارشنبه حجامت کند و دچار بیماری شود کسی جز خودش را نباید ملامت کند»؛ امام عسکری علیه السلام فرمودند: «كَذَبُوا إِنَّمَا يُصِيبُ ذَلِكَ مَنْ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ فِي طُمَثٍ»؛<sup>۲</sup> دروغ می‌گویند؛ این بیماری به سبب باردار شدن در دوران عادت ماهیانه ایجاد می‌شود.

در روایاتی مشابه، خلقت بدی‌ها در روز سه شنبه و آفرینش فرشتگان و نور در چهارشنبه بوده است.<sup>۳</sup> همچنین امام صادق علیه السلام متولدین چهارشنبه را طویل العمر و برخوردار از نعمت‌ها شمردند.<sup>۴</sup> سلمان فارسی رضی الله عنه نیز ارزش روزه در پنج‌شنبه اول و آخر ماه و چهارشنبه دهه دوم را به اندازه یک سال می‌داند.<sup>۵</sup> همچنین در باور امامیه چهارشنبه به امام رضا علیه السلام اختصاص دارد.<sup>۶</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۲۸.

۲. الخصال، ج ۲، ص ۳۸۶.

۳. مجمع البحرین ج ۴، ص ۳۰۴؛ لسان العرب، ج ۱۳، ص ۵۳۵؛ تاج العروس، ج ۳، ص ۵۸.

۴. بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۵۸.

۵. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۲۰.

۶. موسوعة امام رضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۶۱.

### ۴،۲،۳. روایات دال بر نفی نحوست ذاتی چهارشنبه

دسته‌ای از روایات تنها از رخ دادن رویدادهای نامبارک در برخی چهارشنبه‌ها یاد کردند و هرگز به توانمندی زمان در نحوست آن اشاره ندارند. به بیانی دیگر این روایات، نحس پنداری چهارشنبه را به سبب وقوع رویدادهای هلاکت‌بار در آن‌ها می‌دانند؛ نه به جهت نحوست ذاتی آن. برای نمونه به موارد زیر توجه کنید:

۱. شیخ صدوق به استناد خود نقل می‌کند که مردی از اهالی شام از امیرالمؤمنین علیه السلام دربارهٔ نحوست چهارشنبه پرسید. امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: آخرین چهارشنبه هرماه، ایام محاق است و در آن قابیل برادرش هابیل را کشت و در روز چهارشنبه ابراهیم را در منجنیق قرار دادند تا او را به آتش بیاندازند و در روز چهارشنبه‌ای فرعون غرق شد و در چهارشنبه‌ای خداوند متعال قوم لوط را عذاب کرد و بر قوم عاد بادی به شکل عذاب فرستاد و فرعون، موسی علیه السلام را برای به قتل رساندن فراخواند و در چهارشنبه‌ای فرعون دستور کشتن همهٔ نوزادان پسر را صادر کرد و در چهارشنبه‌ای بیت المقدس تخریب شد و مسجد حضرت سلیمان علیه السلام آتش گرفت و در چهارشنبه‌ای یحیی بن زکریا علیه السلام را کشتند و در چهارشنبه‌ای اولین عذاب بر قوم فرعون نازل شد و در چهارشنبه‌ای خداوند بر قارون عذاب فرستاد و در چهارشنبه‌ای حضرت ایوب علیه السلام با از دست دادن مالش مورد امتحان قرار گرفت و در چهارشنبه‌ای یوسف وارد زندان شد و در چهارشنبه‌ای صیحهٔ آسمانی بر مردم نازل شد و در چهارشنبه‌ای قوم صالح شتر معجزه را راندند و در چهارشنبه‌ای بارانی از سنگ‌های کلوخی بر لشکر ابرهه نازل شد و در چهارشنبه‌ای به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سوء قصد شد و به ایشان آسیب رساندند و دندان هایش شکست (روز اُحد) و در چهارشنبه‌ای عمالقه برای کشتن پیامبرشان تابوت ساختند.<sup>۱</sup>

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴۶.

۲. بشار بن یسار نقل کرده است: از امام صادق علیه السلام پرسیدم چرا روز چهارشنبه روزه می‌گیرید؟ امام علیه السلام فرمود: «لَأَنَّ النَّارَ خُلِقَتْ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ»؛<sup>۱</sup> چون خداوند آتش را روز چهارشنبه خلق کرد.

#### ۴،۲،۴. برآیند عرضه انگاره نامبارکی چهارشنبه به روایات

از بررسی روایات ذکر شده به دست می‌آید که معصومان علیهم السلام انگاره نحوست ذاتی زمان‌ها را ناروا دانسته‌اند؛ ولی نامبارکی عرضی برخی زمان‌ها را نتیجه انجام رفتار ناپسند انسان‌ها می‌دانند. منظور از نحوست عرضی، نامبارکی و گجستگی برخی زمان‌ها به دلیل رخ دادن حوادث و رویدادهای نامبارک یا وقایع سهمگین عذاب گونه در آن‌ها است. پذیرش عرضی بودن فرخندگی یا شومی برخی از زمان‌ها، هرگز به معنای وقوع رخ دادهای مشابه در سالگشت آن‌ها نیست. برای نمونه در «ایام نحسات» هرگز انتظار وقوع عذابی مشابه قوم عاد وجود ندارد. نحوست یا برکت ایام به ملاحظه واقعیاتی است که در آن‌ها رخ می‌دهد؛ نه به واسطه جان مایه ایام.

روزهای خاصی مثل عید مبعث، غدیر و شب‌های قدر نیز به خاطر وقوع حوادث مهمی در آن‌ها مثل رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، اعلان عمومی ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و نزول قرآن، ایام فرخنده‌ای تلقی می‌شوند و توجه خاص مؤمنین در سالگشت آن‌ها به جهت بزرگداشت رویدادها است نه گرامیداشت آن روزها. مثلاً در روایت مربوط به فرخندگی نوروز، مرحوم صاحب جواهر، مشروعیت اعمالی مانند غسل و نماز مستحبی در آن را به جهت وقوع اتفاقات فرخنده تاریخی مقارن با آن می‌داند.<sup>۲</sup>

۱. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۸۱.

۲. جواهرالکلام، ج ۵، ص ۴۲.

وی در ادامه می‌نویسد: تنها یک روایت به ظاهر معارض در این باره از ابن شهر آشوب نقل شده که منصور دوانیقی از امام موسی بن جعفر علیه السلام خواست تا در نوروزی همراه ایشان باشد و در حضور لشکریان و مردم سلطنت او تبریک گفته شود. امام علیه السلام در پاسخ فرمود: من راجع به این عید از جدم خبری نشنیدم و این عید سنت اهل فارس است که اسلام آن رامحور کرده است. صاحب جواهر پس از نقل این روایت می‌نویسد: احتمالاً این سخن امام علیه السلام را

همچنین ایامی مثل بیست و هشتم ماه صفر، نهم و دهم ماه محرم به خاطر رحلت شهادت گونه پیامبر اسلام ﷺ و شهادت حضرت اباعبدالله الحسین علیهما السلام ایامی حزن آور و نامبارک است؛ چراکه برکت نزول وحی یا نعمت حیات یک رهبر معصوم از عموم انسان ها سلب شده است.

از سوی دیگر، محتمل است که روایات دال بر نامبارکی چهارشنبه از روی تقیه صادر شده باشد؛ چون عامه به زمان ها و مکان ها و اوضاع و احوال و شوم و سعد دانستن آن ها اعتقادی قوی دارند. برای مثال فضل بن ربیع گوید: روزی با مأمون عازم سفر شدیم. چون روز چهارشنبه بود او گفت امروز سفر کردن مکروه است؛ زیرا من از پدرم رسید شنیدم که پیامبر ﷺ می گفت: آخرین چهارشنبه هر ماه نحس است.<sup>۱</sup> همین امر خود سبب تضعیف این روایات خواهد شد.<sup>۲</sup>

به نظر می رسد روایات ناظر به پذیرش عرضی سعد و نحس ایام، در صدد مقابله با باورهای خرافه گونه افراد است و برای ایجاد ثبات منطقی و آرامش فکری راهکارهایی معرفی می کنند تا فرد مبتلا به نحس انگاری را از موهومات ذهنی بی منطق رها سازد و به جای ترس های فلج کننده، آرامش معنوی و روحی بر عقول و قلوب حاکم شود.

البته این روند رها سازی، با شیب ملایم شروع شده و در انتها به عدم باور پذیری سعد و نحس ایام منجر می شود. این روایات در مقام بیان بنیادهایی است که توجه به آن ها، سبب بی رنگ شدن باورهای موهومی مثل تأثیر ستارگان بر افراد، تأثیر روزها بر سرنوشت انسان و... می شود. معصومین علیهم السلام با آگاهی از اقبال عمومی جوامع به تحلیل های موهوم و ویژگی های درونی نوع انسان، به مبارزه جدی با خرافات فکری و عملی پرداختند و با پیمودن روشی الهی-منطقی، راهکارهای سودمندی برای تبیین

باید حمل بر تقیه کرد یا اینکه آن روز خاص، نوروز معروف نبوده که در آن اتفاقات عظیمی رخ داده است.

۱. المیزان، ج ۲۷، ص ۴۷.

۲. مخالفت حدیثی با باور اهل سنت، سبب تقویت جهت صدور و ترجیح خبر مخالف عامه می شود. در مقام تعارض دو روایت به سبب وجود احتمال تقیه، خبر مخالف عامه مورد عمل قرار می گیرد. فوائد الاصول نایینی، ج ۴، ص ۷۲۸؛ دروس فی علم الاصول محمد باقر صدر، ج ۲، ص ۵۹۴.

حقیقت پدیده‌ها معرفی کردند که هم به خاطر منافع شخصی برای افراد جذابیت دارد و هم به جهت منافع عمومی مورد پذیرش جامعه قرار می‌گیرد. در واقع توصیه به انجام اعمال خاص در زمان‌هایی ویژه، پنج نتیجه بنیادین در بردارد که عبارتند از:

۱. تبیین برنامه‌های زمان بندی شده فردی و اجتماعی برای ایجاد وحدت رویه میان مسلمین.

۲. توجه دادن به عملکرد اقوام گذشته در بهره‌مندی یا محرومیت از نعمت‌های تکوینی.

۳. دعوت به یاری جستن از آفریننده هستی در همه امور.

۴. توجه به رفتارهای نیکو و عاقلانه در همه زمان‌ها.

۵. تقویت روحیه مسلمین در هم‌زاد پنداری با مبارزان راه توحید و آزادی.

تأکید معصومین علیهم‌السلام بر چهار عمل: تصدق به فقرا، دعا کردن، قرائت قرآن و یاد خدا در روایات گونه سوم، در جهت زدودن باورهای موهوم قابل ارزیابی است؛ از این رو شایسته است با دقت نظر بیشتری در روایات، رابطه میان این اعمال و پیرایش ذهن از نحس‌انگاری کشف گردد.

### ۴،۳. عرضه روایات نحوست چهارشنبه بر سیره معصومین علیهم‌السلام

از سیره و روایات معصومین علیهم‌السلام به وضوح به دست می‌آید که امامان معصوم علیهم‌السلام به اقبال یا ادبار زمان‌ها باور نداشته و برای شروع کارها باید به خدای متعال توکل کرد و از او یاری جست و از تلاش غفلت نکرد. چند گزارش از سیره معصومین علیهم‌السلام در برخورد با انگاره نحوست زمان‌ها به شرح ذیل می‌باشد:

۱. امام صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤال طلحة بن زید پیرامون نهی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

از حجامت در چهارشنبه، منکر این حدیث شده و فرمودند: هیچ‌یک از

اهل بیت علیهم‌السلام اشکالی در این کار نمی‌دیدند.<sup>۱</sup>



۲. یاسر خادم می‌گوید: در چهارشنبه‌ای دیدم که امام علیه السلام همراه مأمون به حمام رفته و حجامت کردند.<sup>۱</sup>
۳. عبدالله بن سلیمان از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «کان ابي علیه السلام إذا خرج یوم الاربعاء أو فی یوم یکرهه الناس من محاق أو غیره تصدق بصدقة ثم خرج»<sup>۲</sup>؛ در این روایت امام؟ برای آموزش به مردم برای رهایی از پنداری نادرست صدقه می‌دادند و عبارت «فی یوم یکرهه الناس» نشانگر رواج این پندار در میان مردم است؛ به گونه‌ای که امام علیه السلام به آن معتقد نبودند.
۴. امام صادق علیه السلام، امام کاظم علیه السلام و امام هادی علیه السلام خلاف عقیده رایج در میان مردم، چهارشنبه حجامت می‌کردند.<sup>۳</sup> امام صادق علیه السلام نیز نوره کشیدن در هر زمانی را مایه پاک‌دانسته‌اند.<sup>۴</sup> شیخ صدوق نیز پس از نقل روایات نهی از نظافت در چهارشنبه، می‌نویسد: در بسیاری روایات جایز بودن این کار و حتی برتری و رجحان آن نقل شده است.<sup>۵</sup>
۵. مرحوم مجلسی سیره اهل بیت علیهم السلام در برخورد با چنین پندارهایی را چنین گزارش می‌کند: توجه کردن به آثار ستارگان و تاثیر آن‌ها بفرخندگی و شومی ایام، در رفتار اهل بیت علیهم السلام وجود ندارد. آن‌ها شیعیان را به سبب نامبارک انگاری ساعتی از انجام کارها نهی نمی‌کردند؛ بلکه برای زدودن این پندار، آن‌ها را به صدقه دادن و توسل به خدا برای درمان ماندن از آفات سفارش می‌کردند. اما شوربختانه امروزه، پرداختن به آثار زمانها امری فراگیر شده که باید از آن به خدا پناه برد»<sup>۶</sup>.



۱. الکافی، ج ۲، ص ۵۷۷.  
۲. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۳۳.  
۳. الخصال، ج ۱، ص ۳۹۸؛ قرب الإسناد، ص ۳۰۲؛ حلیة المتقین، ص ۷۹۲.  
۴. حلیة المتقین، ص ۱۵۸.  
۵. الخصال، ج ۱، ص ۳۸۷.  
۶. بحار الانوار، ج ۵۵، ص ۳۱۱.

از این گزارش‌ها برمی‌آید که اهل بیت علیهم‌السلام با رفتار خویش در صدد زدودن انگاره‌های نادرست درباره‌ی تأثیرگذاری مستقیم زمان‌ها بر سرنوشت آدمی است.

#### ۴،۴. عرضه‌ی روایات نحوست بر حکم عقل

در روایات نحس انگاری چهارشنبه هیچ قاعده‌ی ثابتی برای نامبارکی ذکر نشده و تنها به مقارنت برخی حوادث با چهارشنبه‌ها اشاره شده است. همچنین مستقل دانستن زمان‌ها در اثرگذاری برفیروزی یا نگون بختی افراد، با آموزه‌ی بنیادین توحید پروردگار در تدبیر و اداره‌ی عالم مخالف است. این ناسازگاری که «مخالفت با مقاصد شریعت و اهداف دین» نام دارد، سنجه‌ای برای مردود شدن روایات موهم دالّ بر نحوست ذاتی زمان‌ها است.

افزون بر این‌ها در روایاتی دیگر روزهای سوم، پنجم، سیزدهم، شانزدهم، بیست و یکم، بیست و سوم، بیست و چهارم و بیست و پنجم همراه قمری شوم شمرده شده<sup>۱</sup> است و در روایتی از معلی بن خنیس که به امام صادق علیه‌السلام نسبت داده شده روزهای دوم، پنجم، نهم، یازدهم، سیزدهم، پانزدهم، بیستم، بیست و دوم و سی‌ام همراه شمسی نحس شمرده شده است. واضح است که انگاره‌ی نحوست هشت روز از ماه‌های قمری و ۱۰ روز از ماه‌های شمسی، سبب تعطیل شدن حداقل یک سوم از روزهای ماه است که با دستورات و سیره‌ی اهل بیت علیهم‌السلام درباره‌ی تلاش برای آبادانی زندگی مخالف خواهد بود.<sup>۲</sup> آشفستگی واژگان و پیچیدگی تشخیص روزهای نحس همراه سبب می‌شد که در گذشته برای فهمیدن نحوست ایام به روش‌هایی مانند قرعه و استخاره پناه ببرند؛ تا جایی که روش‌های ویژه‌ای برای این قرعه‌کشی‌ها بیان شده است.<sup>۳</sup>

روایات مربوط به نامیدن چهارشنبه‌ی آخر ماه به ایام محاق، به سادگی با عقل سازگار

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، صص ۴۰۴ تا ۴۰۵؛ بحار الانوار، ج ۵۶، صص ۷۹ تا ۱۰۲.

۲. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۴.

۳. الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص ۷.



نیست؛ چراکه در بسیاری موارد سه روز پایانی ماه، شامل چهارشنبه نمی‌شوند. شاید منشا چنین احادیثی باور عمومی در نامبارکی ایام محاق به سبب سوختن ماه باشد که توسط حدیث سازان به میراث گرانبهای کلمات معصومین علیهم‌السلام راه یافته است.

## ۵. نتیجه گیری

روایاتی با محتوای نامبارک بودن زمان‌ها، افزون بر کاستی‌های سند، در اعتبار سنجی دلالی نیز مردود خواهند بود. عرضه این روایات به قواعد برآمده از کلام الهی، گفتار وسیره معصومین علیهم‌السلام و حکم عقل، سبب مردود شدن محتوای آن‌ها خواهد شد. براساس آموزه‌های قرآنی، جهان پیرامون آدمی برای رشد و بالندگی او فراهم شده و انسان با پیمودن مسیر رهنمون شده توسط وحی و عقل رشد یافته، نیک فرجام خواهد بود. افزون بر این، باور به توانمندی زمان‌ها در بختیار یا نگون بخت کردن آدمی با آموزه‌های توحید پروردگار در تدبیر و اداره عالم و عدل الهی در آفرینش نا همخوان خواهد بود.

گفتار و رفتار پیشوایان دین نیز پیروزمندی آدمی را در گروهی یاری جستن از پروردگار و تلاش بهینه او می‌دانند؛ با این حال معصومان علیهم‌السلام برای زدودن باور خرافی نحس انگاری زمان‌ها، به راهکارهایی مانند دعا، توجه به قدرت الهی، صدقه دادن و خوانش آیات الهی رهنمون شده‌اند. در آموزه‌های ایشان، زمان، توان تغییر سرنوشت آدمی را ندارد؛ بلکه توجه به برخی زمان‌ها برای یادکرد، گرامیداشت و ارزنده بودن رخ دادهایی است که در آن‌ها روی داده‌اند. چهارشنبه نیز مانند سایر زمان‌ها هیچ‌توان ویژه‌ای در بخت آدمی ندارد؛ بلکه اشاره به نامبارکی آن در برخی روایات -فارغ از تحلیل سندی- تنها برای یادداشت رخ دادهایی است که در گذر تاریخ، مقارن با چهارشنبه بوده‌اند. هدف از یادکرد آن وقایع نیز رهنمون شدن آدمی به معرفت افزایی و عمل‌گرایی متکی به ایمان است.

اصلی‌ترین دلیل گرایش به عقایدی مثل نحس انگاری ایام را در خرده باورهای عمومی جامعه می‌توان جست. افزون بر این، علت‌های فردی دیگری چون فرافکنی، تنبلی بشر در کشف حقایق و علاقه بشر به خیال پردازی را می‌توان در پیدایش چنین



باورهایی مؤثر دانست. گوناگونی پدیده‌های روزمره و تصوّر هزاران عامل مؤثر در وقوع یک حادثه، برای بشر بسیار شگفت‌انگیز است و تحلیل این عوامل و رابطه آن‌ها در سیر تشکیل یک واقعه بسیار طاقت فرسا است؛ اما انتساب علت پدیده‌ها به امور خیالی و ماورائی هم لذت بخش است و هم رنج پژوهش علمی و منطقی را در بر ندارد. از این رو در نظر راحت طلبان، استناد به نحوست یا سعادت پدیده‌ها آسان‌ترین روش برای توجیه آن‌ها است.

## کتاب نامه

۱. قرآن مجید، کتاب آسمانی مسلمین، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم، اندیشه هادی، چاپ اوّل، ۱۳۶۲.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دارالشریف الرضی، ۱۴۰۶ ق.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، قم، اندیشه هادی، چاپ اوّل، ۱۳۸۵.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۷. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الأعظم، عبدالحمید هنداوی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ق.
۸. ابن سینا، حسین بن عبدالله، اشارات و تنبیها، ترجمه حسن ملکشاهی، تهران، سروش، ۱۳۶۳.
۹. ابن طاووس، علی بن موسی، الامان من اخطار الاسفار والازمان، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۰۹.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، سوم، ۱۴۱۴ ق.



۱۱. ازهری، محمدبن احمد، تهذیب اللغة، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.
۱۲. أعلمی، حسین، دیوان امیرالمؤمنین و سید البلغاء و المتکلمین الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۱۹ ق.
۱۳. بیضون، قاسم، مبانی نقد متن الحدیث، قم، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم العالمیه، ۱۳۹۲.
۱۴. تهانوی، محمدبن علی، کشاف اصطلاحات الفنون، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۶ م.
۱۵. جوزیه، محمد بن ابی بکر (ابن قسیم)، المنار المنیف فی الصحیح والضعیف، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق.
۱۶. حداد عادل، غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۴.
۱۷. حرّانی، ابن شعبه، تحف العقول، قم، موسسه نشر اسلامی، بی تا.
۱۸. حرعاملی، محمدبن حسن، تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران، اسلامیة ۱۴۲۴.
۱۹. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۲۰. حسینی قزوینی، سید محمد، موسوعه الامام الرضا علیه السلام، قم، موسسه ولی عصر (عج)، ۱۴۲۸ ق.
۲۱. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۱۳ ق.
۲۲. خطیب بغدادی، ابوبکر، الکفایه فی علم الروایه، ابوعبدالله السورقی، دایره المعارف العثمانیه، بی تا.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات فی الالفاظ القرآن، لبنان، دارالقلم، ۱۴۱۲ ق.
۲۴. سباعی، مصطفی، السنه ومکانتها فی التشریع الاسلامی، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۹۸۲ م.

۲۵. صالح، صبحی، نهج البلاغه، تهران، راه علم، ۱۳۸۶.
۲۶. صدر، محمدباقر، دروس فی علم الاصول، قم مجمع الفكر الاسلامی دوم ۱۴۱۹
۲۷. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۲۸. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، تهران، مکتب نشر الثقافة الاسلامیه، ۱۴۰۸ق.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن، العدة فی الصول الفقه، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۳ق.
۳۰. عبدلی، علی، مطالبی در زمینه تاریخ، فرهنگ و جامعه تاتها و تالشان؛ تهران ققنوس اول ۱۳۶۹
۳۱. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، قم، نوید اسلام، دوم، ۱۳۹۲
۳۲. کاظمی خراسانی، محمد علی، فواید الاصول، تقریرات درس آیه الله نایینی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۶ق.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
۳۴. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول عليه السلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۳۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر لخبار الائمة الاطهار عليه السلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۶. مجلسی، محمد باقر، حلیة المتقین، قم، ارمغان یوسف، ۱۳۸۵.
۳۷. مدنی، سید علی خان بن احمد، الطراز الاوّل، مشهد، آل البيت عليه السلام، ۱۳۸۴.
۳۸. مهنا، عبدالله علی، لسان اللسان، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳ق.
۳۹. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳.

۴۰. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم،  
موسسة آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۸ ق.

۴۱. هدايت، صادق، نيرنگستان، تهران، بی جا، ۱۳۴۳.

۴۲. يثربى، سيد يحيى، فلسفه خرافات، چاپ سوم تهران اميرکبير ۱۳۹۳



حديث نورى

سال نهم، شماره دوم، پيايى، ۱۹، پاييز و زمستان ۱۳۹۸

۱۴۶

